آرمان ملی
rmanmeli.ir
سال پنجم
۱۶۲۶
یکشنبه
۱۴۰۲•۰۵•۲۹
۰۳ صفر ۱۴۴۵ / ۲۰ آگوست ۲۰۲۳

مهدی مطهرنیا در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دموکراسی باید به سبک زندگی تبدیل شود

» مسأله جامعه زبان مشترک نیست بلکه گفت‌وگو است

» نسل جدید آفرینشگر است

» کنشگری نسل جدید با نسل‌های گذشته تفاوت پیدا کرده است

«آرمان ملی»- احسان انصاری: «اگر نسل قبل نسلی باشد که چگوارایی عمل می‌کند، نسل جدید دنبال حرکات معنادار و تعریف شده در خلق تعریفی از آزادی است نه به عنوان یک حرکت سیاسی یا حتی اجتماعی بلکه به عنوان یک سبک زندگی. این نسل آفرینشگر است و تصویری جدید از المان‌ها و نشانگان موجود در صحن اجتماع نشان می‌دهد.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر مهدی مطهرنیا، استاد دانشگاه و تحلیلگر سیاسی در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. مطهرنیا در این گفت‌وگو به بررسی ریشه‌ها و مسیر تغییر و تحولات در جامعه ایران می‌پردازد که در ادامه می‌خوانید.

جامعه ایران در معرض تغییر و تحولات اجتماعی قرار گرفته و به باور ببسیاری از تحلیلگران جلوگیری از این تغییرات اجتناب‌ناپذیر است. به نظر شما تحولات جامعه در چه مسیری قرار دارد؟

در مرحله نخست برای پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد که باید به بررسی چند مفهوم و اصطلاح پرمعنا بپردازیم. در ادبیات سیاسی در قسم‌بندی دگرگونی‌های اجتماعی از منظر تئوری‌های انقلاب چند واژه‌سار یا اصطلاح معنادار و قابل تعریف داریم که عبارتند از انقلاب که منظور انقلاب‌های کلاسیک است، انقلاب‌های توسعه محور و جنبش‌های نوین اجتماعی است. انقلاب‌های کلاسیک مانند انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب مائوئیستی در چین انقلاب‌هایی هستند که از ویژگی‌ها و مختصات تعریف شده در ادبیات سیاسی برخوردارند و جهت گیری‌های خاص تعریفی و شاخصه‌های ویژه خود را دارند. در کنار آنها انقلاب‌های توسعه گرا قرار دارند.

انقلاب‌هایی که رهبری و سازماندهی آنها محدودتر و اهداف آنها شفاف تر است و باز هم نسبت به انقلاب‌های کلاسیک از گستردگی زیادی برخوردار نیست و اساسا بیشتر وجه سیاسی معطوف به ایجاد توسعه را مدنظر قرار می دهد. مهاتما گاندی گرچه یک انقلاب بزرگ ایجاد کرد؛ اما این انقلاب را در برابر استعمار هند انجام داد و هدفش ایجاد یک ساز و کار توسعه‌گرا در هندی بود که دارای سابقه تمدنی بالا بود یا مهاتیر محمد و انقلابی که در کشور خودش به انجام رساند. جنبش‌های نوین اجتماعی مفهومی است که فوکو مطرح می کند و از جنبش‌های نوین اجتماعی صحبت می کند. جنبش‌هایی که بسیار گسترده‌اند و بار رهبری و سازماندهی در آنها کمتر است ، رهبری در آنها مشخص نیست یا بهتر است بگوییم رهبر آنها مشخص نیست. من از واژه سار یا اصطلاح دیگری استفاده می کنم و بر این باورم که در هزاره سوم ورود ما به عصر جنبش‌های نوین اجتماعی نیست و گامی بالاتر ضرب آهنگ تغییرات و تحولات رخ می دهد و آن را باید جنبش‌های نوین فرا اجتماعی نامید و نوینی که در جنبش‌های نوین اجتماعی بود از آن باز پس گرفت. امروز باید بگوییم که ما دگرگونی‌های اجتماعی را در حوزه جامعه شناسی سیاسی در چهار وجه می‌بینیم. انقلاب‌های کلاسیک، انقلاب‌های توسعه گرا، جنبش‌های اجتماعی و جنبش‌های نوین فرا اجتماعی که متاثر از انقلاب صنعتی و فناوری‌هایی هستند که شبکه‌های اجتماعی را گسترش دادند و یک جامعه فرا اجتماعی و فرا ملی حتی والا تر و بالاتر از جوامع میان فراملی را تشکیل دادند.

جنبش‌های نوین فرااجتماعی دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

دورانی شروع شده که نوتطبیق گرا هستند و این دوران نو تطبیق گرا به واقع ما را به سمت و سوی یک اومانیسم جدید پیش می‌برد که گرچه از گفتمان اومانیستی قبلی درمدرنیته‌ای که در غرب اثر می‌پذیرد و حامل و باردار آن است ؛در آن متوقف نشده و امر جدیدی را شکل می‌دهد.ما وارد هزاره سوم شدیم عصر هوش مصنوعی است و اگر قرن بیستم قرن شکافت اتم بود قرن بیست و یکم شکافت زمان را داریم و شبکه‌های اجتماعی به شبکه‌های فرا اجتماعی تبدیل خواهند شد چرا که به زودی مرگ رسانا سخت افزار در رسانه ارتباط بسیار کمرنگ خواهد شد.

> **ایران در سال ۵۷ یک انقلابی انجام داد که خود را در ۳ چهره نشان می‌دهد. هم ویژگی‌ها و مختصاتی از انقلاب‌های کلاسیک؛هم ویژگی‌ها و مختصاتی از انقلاب‌های توسعه‌گرا و هم مختصاتی از جنبش‌های نوین اجتماعی را دارد. اگر نسل قبل نسلی باشد که چگوارایی عمل می‌کند؛ نسل جدید دنبال حرکات معنادار و تعریف شده در خلق تعریفی از آزادی است نه به عنوان یک حرکت سیاسی یا حتی اجتماعی بلکه به عنوان یک سبک زندگی. این نسل آفرینشگر است و تصویری جدید از المان‌ها و نشانگان موجود در صحن اجتماع نشان می‌دهد**

جامعه ایران به چه میزان تحت تأثیر این تحولات قرار داشته است؟

ایران در سال ۵۷ یک انقلابی انجام داد که خود را در ۳ چهره نشان می‌دهد. هم ویژگی‌ها و مختصاتی از انقلاب‌های کلاسیک؛هم ویژگی‌ها و مختصاتی از انقلاب‌های توسعه گرا و هم مختصاتی از جنبش‌های نوین اجتماعی را دارد.اگر نسل قبل نسلی باشد که چگوارایی عمل می‌کند؛ نسل جدید دنبال حرکات معنادار و تعریف شده در خلق تعریفی از آزادی است نه به عنوان یک حرکت سیاسی یا حتی اجتماعی بلکه به عنوان یک سبک زندگی. این نسل آفرینشگر است و تصویری جدید از المان‌ها و نشانگان موجود در صحن اجتماع نشان می‌دهد. اینها نسلی هستند که به قول معرفت شناسی باشلاری تحت گفتمان‌های گذشته خود را تعریف نمی کنند بلکه گفتمان جدیدی را می‌آفرینند که از دقایق گفتمان‌های قبلی تاثیر پذیرفته اما خود را گرفتار آن دقایق نکرده است. لذا چیزی که در ایران بوجود می آید بسیاری از افراد آن را پست مدرنیسم می‌دانند ومن آن را پساپست مدرنیسم می‌دانم. عده‌ای آن را تحت تاثیر شبکه‌های اجتماعی می‌دانند من آغازی بر شکل گیری شبکه‌های فرا اجتماعی می‌دانم.

> **امروز باید بگوییم که ما دگرگونی‌های اجتماعی را در حوزه جامعه شناسی سیاسی در چهار وجه می‌بینیم. انقلاب‌های کلاسیک، انقلاب‌های توسعه گرا، جنبش‌های اجتماعی و جنبش‌های نوین فرا اجتماعی که متاثر از انقلاب صنعتی و فناوری‌هایی هستند که شبکه‌های اجتماعی را گسترش دادند و یک جامعه فرا اجتماعی و فرا ملی حتی والا تر و بالاتر از جوامع میان فراملی را تشکیل دادند**

واکنش مردم و نخبگان به این تحولات چگونه بوده است؟

عده‌ای می‌خواهند این مسیر را تغییر دهند. عده‌ای که می‌فهمند عالمانه وارد می‌شوند. زمانی دموکراسی به عنوان یک روح در ساختارهای سیاسی می‌تواند حضور داشته باشد که به صورت سبک زندگی به آن نگاه شود. فقط در صحن عمومی جامعه یعنی حوزه سیاسی امر سیاسی و زندگی سیاسی محدود نشود و در حوزه اجتماع باشد. ما در خانواده‌ها دموکراسی را شاهد باشیم. در خانواده‌ها خانواده به عنوان یک مجمع دموکراتیک اداره شود و حتی پیوند فرد با فرد و ارتباط نفوس آدمی در وجود فردی به عنوان فردیت‌های متکثر هم دموکراتیک باشد. ما فرد داریم ولی فردیت نداریم. چرا که هر فرد خود یک جامعه است و اجتماعی از نفوس مختلف است که دو نفس معروف آن نفس اماره و لوامه هم باید با یکدیگر دموکراتیک در درون فرد تقسیم کار کنند. اگر دموکراسی را به عنوان یک سبک زندگی بدانیم حتی فرد در فردیت خود به دموکراسی پایبند است. اجتماع در فضای اجتماعی فارغ از مساله سیاست، حکومت و حاکمیت به دموکراسی نیازمند است و زمانی که به صحن عمومی جامعه امر سیاسی و زندگی سیاسی کل می گیرد در انجا دموکراسی در جلوه‌های گوناگون به مثابه روح فرم‌ها و شاکله‌ها باید خود را به نمایش بگذارد. اگر اینگونه شد یک نظام ، کشور و مردمی دموکراتیک زیست خواهند کرد و اصالت دموکراسی خود را نشان خواهد داد. لذا دموکراسی به عنوان سبک زندگی مطرح است.

آیا دموکراسی به عنوان یک سبک زندگی در ایران به عنوان یک پارادایم غالب اجتماعی مورد نظر است؟

نسل جدید اگر می‌خواهد دموکراتیک و بر مبنای سبک زندگی مبتنی بر دموکراسی باشد در مرحله اول نیازمند آزادی است. من معتقدم آزادی بر عدالت رجحان دارد. به نظر من عدالتی که متکی بر آزادی نباشد فاقد مناسبت درونی است . فراپارادیمی در حال شکل گیری است که آن کثرت در وحدت و وحدت در کثرت را بر پارادایم وحدت در کثرت و کثرت در وحدت غلبه می‌دهد. امروز مساله زبان مشترک نیست بلکه گفت و گو است.گفت و گو اصالت دارد. من وشما باید گفت و گو کنیم ولی نه اینکه شما هر آنچه من می گویم گوش ندهید و من نیز هر چه شما می گویید درست نشنوم و پاسخ ندهم . اگرشما لایه های گفت و گو گر جامعه را که بتوانند گفت و شنود کنند از بین ببرید به خودتان ضربه زدید و تبدیل به یک سیستم خود نابود کننده شده‌اید. علم در وجوه گوناگون علوم انسانی و اجتماعی ؛ سیاست، روابط بین‌الملل، امنیت و آینده اندیشی و واژه آفرینی تشریفاتی نیست و ترکیب اینها به ما کمک می کند که ببینیم آینده چه خواهد شد. علم اگر نتواند چند قدم جلوترخود را ببیند و به اصطلاح من دانایی و هوشیاری نداشته باشد که کار کرد ندارد. چه اندازه نظام حاکم به جامعه علمی اصالت آن و کارکردش در پیش نگری اعتماد کرده است. اکنون یک جنبش اومانیسم آزاد در جهان به وجود امده است که نوتطبیق گرایی می کند و این محدود به ایران نیست.

محمد مهاجری:

مشارکت بالا برود پایداری تضعیف می‌شود

یک فعال سیاسی اصولگرا درباره انتقاد حدادعادل از جبهه پایداری گفت: آقای حدادعادل نیز بعد از سال‌ها متوجه شد که جبهه پایداری همان جریانی است که به شدت دنبال خالص سازی است و آقای حدادعادل نیز از این وضعیت ناراضی است. محمد مهاجری گفت: جریان اصولگرا به تدریج در حال متوجه شدن است که ناکارآمدی های دولت عمده اش به جبهه پایداری برمی گردد و دوم آنکه جریان یکدست سازی و خالص سازی عملا سودش به سفره جبهه پایداری رفته است و بقیه خیلی از آن منفعتی نبردند، به همین دلیل آقای حدادعادل و دوستانش می خواهند جبران گذشته کنند. این فعال مطبوعاتی یادآور شد: امیدوارم نتیجه صحبت های آقای حدادعادل نهایتا مثل انتخابات سال ۱۳۹۸ منجر به ائتلاف دقیقه نودی با جبهه پایداری نشود چون جبهه پایداری کاملا در عرصه سیاسی کاسب کارانه عمل می کند، وقتی ببیند شانسی برای پیروزی ندارد لحظه آخر به سمت ائتلاف با سایر اصولگراها خواهد آمد. وی اظهار کرد: جریان تندروی اصولگرا با استفاده از تمام توانش می‌خواهد در انتخابات شرکت کند و می‌خواهند فضا را بر رقبای خود از جمله رقبای درون‌جناحی خود تنگ کند اما به نظر می‌رسد که چنین قصدی به ضد خودش تبدیل می‌شود و باعث بروز دعوای مفصلی در اصولگرایان خواهد شد». این فعال سیاسی بیان کرد: هر گونه ائتلافی که شکل بگیرد اگر رقابت بین اصولگرایان و اصولگرایان باشد، حتما باعث ایجاد تفرقه می‌شود و نتیجه مطلوبی برای اصولگرایان به دست نمی‌آید.» محمد مهاجری عنوان کرد: برداشت من این است که شریان و جبهه پایداری می‌خواهند مجلسی وکیل‌الدوله ایجاد کنند. هر کدام از این دو گروه بالا بیایند مجلس وکیل‌الدوله می‌شود و تردیدی در این موضوع نیست. وی تصریح کرد: باید صبر کرد و دید که چه افرادی در نهایت در رقابت انتخاباتی باقی می‌مانند. اگر فضای سیاسی در ماه‌های آینده باز تر شود و میل به مشارکت عمومی در انتخابات بالا برود، طیف‌های پایداری، شریان و قالیباف و احمدی‌نژادی‌ها تضعیف می‌شوند و قدری جریان اصلی اصولگرایی می‌تواند نفس بکشد. مهاجری تاکید کرد: البته در این میان نباید جریان آقای بذرپاش را فراموش کرد. این جریان به نمایندگی از آقای رئیسی مشغول خالص سازی دیگری هستند. این جریان می خواهد کاری کند که نمایندگان مجلس آینده به هیچ وجه مزاحمتی برای دولت آقای رئیسی نتراشند.

یادداشت

بازتعریف نقش کریدوری

محسن کشوریان آزاد
کارشناس مسائل بین‌الملل

کریدور میانی مسیری است که از طریق گرجستان، آذربایجان، دریای خزر و قزاقستان ترکیه را به چین وصل می‌کند. در سال ۲۰۱۵ نخست‌وزیر ترکیه هماهنگی دو پروژه «کریدور میانی» و «کمربند و راه» را اعلام کرد. برای همسویی ابتکار «کمربند و راه» با پروژه «کریدور میانی»، یادداشت تفاهمی در اول ژوئیه ۲۰۱۶ در حاشیه اجلاس سران G-20 در هانگژو امضا شد. طرفین در سال ۲۰۱۷ تفاهم‌نامه‌هایی برای توسعه اقتصاد کمربند و راه و کریدور میانی امضا کردند. بر اساس داده‌های «مؤسسه پیشبرد سرمایه‌گذاری ترکیه» تا سال ۲۰۱۷، بیش از ۸۷۰ شرکت چینی حدود ۲.۲ میلیارد دلار در ترکیه سرمایه‌گذاری کردند که حدود ٪۷۰ پس از سال ۲۰۱۴ و ذیل ابتکار کمربند و راه در بخش‌های مالی، زیرساخت، ارتباطات، انرژی هسته‌ای و خطوط ریلی بوده است. اکنون به دلیل وجود متغیرهای واگرا همانند ملاحظات امنیتی اویغورها (وجود تشکل‌ها و احزاب طرفدار اویغورها در ترکیه، حمایت کلامی برخی مقامات ترک)، حضور ترکیه در ناتو، ساختار اقتصادی و سیاسی همسو با دولت‌های غربی (خط و مشی اقتصاد لیبرال، حمایت ترکیه از حقوق بشر غربی و...) بر نگرش چین برای توسعه کریدور میانی با ترکیه تأثیر گذاشته است. در واقع پیوند «کمربند و راه» و «کریدور میانی» مدنظر دو دولت بوده؛ اما عوامل فوق تاحدودی چین را به توسعه سرمایه‌گذاری در بخش قفقاز و ترکیه آن مردد کرده است. با این وجود نشانه‌های از توسعه آن به ویژه پس از جنگ اوکراین وجود دارد که در صورت پیشرفت، آینده جایگاه ژئواکونومیکی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، امری که می‌تواند باعث فرسایش ژئوپلیتیکی ایران شود. در واقع، در صورت پیشرفت و پیوند «کریدور میانی» ترکیه با آسیای مرکزی، نقش ژئوپلیتیک ایران در آینده خنثی خواهد شد. اتصال دو پروژه «کریدور میانی» ترکیه و «کمربند و راه» چین زمینه نزدیکی دو کشور را فراهم کرده و نزدیکی پکن-آنکارا می‌تواند به خطر خنثی سازی ژئوکونومیکی ایران منجر شود. در صورت پیوند عملیاتی آن دو پروژه به هم، این مسیر به‌عنوان تنها شریان زمینی اتصال چین و اروپا ذیل «کریدور چین-آسیای مرکزی-غرب آسیا» مطرح‌شده و نقش دیرینه دولت ایران را در پیوند آسیا و اروپا خنثی می‌کند. روابط ریلی ایران با چین را محدود می‌کند. در واقع جذابیت توسعه کریدور میانی برای اروپا و ترکیه این است که روسیه و ایران را دور می‌زند. درصورتی‌که توسعه کریدور میانی و ترانس خزر، آذربایجان اجازه نخواهد داد که کریدور شمال – جنوب ایران فعال شود. در واقع آذربایجان اجازه نمی‌دهد که کریدور رشت – آستارا که اکنون با سرمایه‌گذاری مشترک ایران و روسیه در حال تأسیس است، از این کشور عبور کند. پس در صورت برجستگی نقش آذربایجان در کریدور میانی، قطع به یقین باید منتظر عقیم ماندن کریدور رشت و آستارا بود؛ چراکه آذربایجان بازوی ترکیه برای خنثی‌سازی نقش ژئواکونومیک ایران است، اسرائیل کریدور میانی را در راستای منافع خود ارزیابی کرده و آذربایجان و ترکیه را برای توسعه آن تشویق می‌کند، و طرح‌ها و ابتکارات شرقی – غربی برای منافع آذربایجان اهمیت بیشتری دارد. بر این اساس، برآیند این است که در آینده آذربایجان و ترکیه برای توسعه کریدور میانی و اتصال آن به چین تلاش خواهند کرد و مصمم به عقیم ماندن طرح‌های شمال-جنوب ایران خواهند بود. پس هرچه کریدور میانی توسعه یابد، امکان حذف ایران از حلقه کریدورها بیشتر می‌شود. ایران باید نقش کریدوری خود را بازتعریف کند. به نقش آذربایجان در توسعه کریدورهای شرقی – غربی توجه ویژه نشان دهد؛ زیرا که نفوذ چین در بخش اقتصادی، سرمایه‌گذاری و کریدورهای آذربایجان می‌تواند به خنثی‌سازی نقش ژئوپلیتیک ایران منجر شود. ایران باید از تردید چین استفاده کرده و آن را در اتصال خطوط ریلی چین به ایران تشویق کند. در واقع تردید چین در اتصال خطوط ریلی به ترکیه فرصتی برای ایران است تا پتانسیل‌های بالقوه خود را برای اتصال شرق به غرب با چین عملیاتی کند.

خبر

رئیس دیوان عدالت اداری:

آرای قبلی دیوان باید برای اشخاص با ادعای مشابه اجرا شود

رییس دیوان عدالت اداری با بیان اینکه دستگاه‌های اجرایی باید ترتیبی اتخاذ کنند تا از ورود دعاوی تکراری به دیوان جلوگیری شود، گفت: با توجه به تبصره ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، باید آرای قطعی و قبلی دیوان برای اشخاصی که ادعای مشابه دارند نیز اجرا شود. نشست مشترک رییس و معاونان دیوان عدالت اداری با وزیر و معاونان آموزش و پرورش، با هدف همکاری و تعامل بیشتر به میزبانی دیوان عدالت اداری برگزار شد. حجت الاسلام والمسلمین حکمت‌علی مظفری در این نشست با اشاره به تبصره ماده ۱۱ و تصویب جدیدماده ۹۳ قانون دیوان عدالت اداری، اظهارکرد: پس از صدور حکم و قطعیت آن بر اساس این ماده، مرجع محکوم‌علیه علاوه بر اجرای حکم، مکلف است در موارد مشابهی که با حکم صادره وحدت موضوع دارد، مفاد حکم صادره را در تصمیمات و اقدامات بعدی خود رعایت کند، مشروط بر اینکه با تشخیص رییس دیوان، رأی قطعی دیگری معارض با آن، توسط همان شعبه یا شعب دیگر دیوان صادر نشده باشد. رییس دیوان عدالت اداری با تاکید بر اینکه دستگاه‌های اجرایی باید ترتیبی اتخاذ کنند تا از ورود دعاوی تکراری به دیوان جلوگیری شود، افزود: با توجه به تبصره ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، باید آرای قطعی و قبلی دیوان برای اشخاصی که ادعای مشابه دارند نیز اجرا شود. در ادامه رضا مراد صحرایی، وزیر آموزش و پرورش نیز با تقدیر از دیوان عدالت اداری در خصوص صدور آرای منصفانه به نفع مستخدمان آموزش و پرورش، گفت: قسمت اعظم کارکنان این وزارتخانه را معلمان زحمتکشی تشکیل داده‌اند، که نیمی از جمعیت دولت هستند و با توجه به مشکل این وزارتخانه، دیوان عدالت اداری باید توجه ویژه به آموزش و پرورش داشته باشد.

نگـــره

افشای کدام سند مانع توافق ایران و آمریکا شد؟

حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه ایران روز پنجشنبه ۲۶ مرداد برای اولین بار بعد از ازسرگیری روابط با عربستان، به ریاض سفر کرد. آخرین وزیر خارجه ایران که به عربستان سفر کرد، محمدجواد ظریف بود که سال ۲۰۱۵ برای تسلیت درگذشت ملک عبدا... راهی ریاض شده بود. این سفر دومین اقدام مهم در راستای کاهش تنش‌ها با جهان در هفته‌های اخیر است. هفته گذشته پس از ۲ سال کش و قوس برای احیای برجام، در نهایت ایران موفق شد به توافقی حداقلی با آمریکا دست پیدا کند که طی آن بخشی از اموال بلوکه شده ایران در خارج از کشور آزاد و در ازای آن پنج زندانی دوتابعیتی ایرانی-آمریکایی آزاد شدند. حسین امیرعبداللهیان در اظهارنظری در یک نشست خبری به رسانه‌ها گفته تبادل زندانیان و آزادسازی اموال بلوکه شده ایران هیچ ارتباطی به هم نداشته‌اند. امیرعبداللهیان در این گفت‌وگو به یک موضوع دیگر هم اشاره کرده و گفته زمانی که مذاکرات در مرحله‌ای نزدیک به توافق با آمریکا بوده، انتشار یک سند محرمانه، موانعی بر سر راه توافق ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد منظور وزیر خارجه از سند محرمانه، گزارشی بوده که نشریه «تهران تایمز» منتشر کرده است. اواخر تیر ماه و اوایل مردادماه «تهران تایمز» روزنامه انگلیسی‌زبان زیرمجموعه خبرگزاری مهر وابسته به سازمان تبلیغات دو گزارش که یکی از آن‌ها حاوی یک فایل صوتی بود را منتشر کرد و مدعی شده فایل صوتی مربوط به صحبت‌های محرمانه رابرت مالی نماینده معلق شده آمریکا در امور ایران است. تهران تایمز در گزارش اول مدعی شده بود «رابرت مالی» نماینده آمریکا در امور ایران، به دلیل گفت وگوهای محرمانه با یک دیپلمات ارشد ایرانی در سازمان ملل و تعاملات مشکوک او با مشاوران غیررسمی ایرانی تبار، به مرخصی بدون حقوق اجباری رفته است. بر اساس گزارش این روزنامه انگلیسی زبان ایرانی، رابرت مالی در این فایل صوتی می گوید «احیای برجام اقدامی در جهت اعمال فشار بیشتر به ایران برای رسیدن به توافقی محکم‌تر، بسیط‌تر و طولانی مدت‌تر است که شامل برنامه هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای ایران هم خواهد بود.» این گزارش در حالی منتشر می‌شد که راب مالی نماینده ویژه بایدن در امور ایران برکنار شده و پروانه امنیتی‌اش ابطال شده است. دولت بایدن دلیل اصلی «مرخصی اجباری» راب مالی را شرح نداده، اما برخی رسانه‌های جمهوریخواه آمریکا مدعی‌اند دلیل این برکناری، درز اطلاعاتی به رابط‌های خارجی بوده است. گفته می‌شود چند هفته قبل از این مرخصی اجباری، راب مالی با ایروانی، نماینده ایران درسازمان ملل چند جلسه مستقیم داشته است. از آنجا که مالی مسئول پرونده ایران در دولت بایدن بوده، گمان می‌رود منظور از درز اطلاعاتی به «رابط‌های خارجی»، همین دست اطلاعاتی است که به دست یک رسانه اصولگرای در ایران رسیده است. در این گزارش عملا به هدف پشت پرده مدیران رسانه برای انتشار این فایل صوتی منتسب به راب مالی اشاره شده و گفته شده «در طول دوران تصدی‌گری مالی، ایالات متحده تحریم‌ها علیه ایران را بیشتر کرد و بر موج ناآرامی‌ها در کشور سوار شد و نشان داد دولت بایدن به دنبال تغییر رژیم در ایران است. مالی این سیاست را با جان و دل اجرا کرد.»

عدم توقف کارشکنی برخی جریان‌ها

بلافاصله بعد از اظهارات امیرعبداللهیان، تهران تایمز گزارش جدیدی منتشر کرد و در آن به وجوداسناد محرمانه وزارت خارجه آمریکا اشاره کرد که ثابت می‌کند این کشور برای آشوب در ایران، نقش و برنامه‌ریزی فراوانی داشته است. به گفته تهران تایمز، یکی از افراد اصلی که این طرح را تنظیم کرده، رابرت مالی بوده است. بر اساس این سند، «روزانه گروهی از معاونین شورای امنیت ملی آمریکا باید برای ارزیابی اطلاعات جاری ایران، جلسه داشته باشند. هر روز صبح باید گزارشی از وضعیت اعتراضات در ایران به رئیس جمهور بایدن ارائه شود و همه وزارتخانه‌ها و آژانس‌ها (اعم از امنیتی و غیرامنیتی) موظف به بررسی ظرفیت‌ها برای پشتبانی فنی از معترضان هستند.» مسیح مهاجری پیش از این گفته بود «رابرت مالی مذاکراتی با بعضی افراد ایرانی داشت و مسایل داشت به جایی می‌رسید که شاید حتی برخی از مقامات آمریکایی هم تا آن حد مطلع نبودند، اما تندروهای داخلی اطلاعات مربوط به مذاکرات را لو دادند، تا مذاکرات به جایی نرسد.» خبر دیدار راب مالی با سعید ایروانی نماینده ایران در سازمان ملل اولین بار توسط نشریه بریتانیایی «فایننشیال تایمز» منتشر شده بود و اظهارات امیرعبداللهیان درباره تاثیر یک افشاگری بر توافق ایران و آمریکا نشان می‌دهد تحلیل‌ها در این‌باره درست بوده است. کارشکنی برخی جریان‌ها بر سر راه توافق بین ایران و غرب متوقف نشده است. فارس در روزهای اخیر گزارش‌هایی درباره افشاگری تهران تایمز نوشته و گفته «برخی اصلاح‌طلبان مدعی شدند که رابرت مالی، با منافع ایران همراه بود و جریان خاصی از داخل ایران، او را لو داده و منجر به تعلیق مالی شده است» این در حالی است که «با انتشار سندی از طرح رابرت مالی برای اغتشاش در ایران، مشخص شد که تفاوتی در اهداف رابرت مالی و سایر آمریکایی‌ها همچون برایان هوک در قبال ایران وجود ندارد.»